



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) راهنمای آزمون های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۲) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۶) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۹) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۴)



2- امیدوار کردن مردم به امور غیرواقعی :

در این قسمت از وسیله تقلبی مرتکب با اقداماتی متقلبانه ، قربانی جرم را برای رسیدن به امری غیرواقعی امیدوار می نماید . به عبارت دیگر کلاهبردار امری غیرواقعی را ، واقعی جلوه می کند و قربانی جرم نیز برای رسیدن به آن امری که کلاهبردار ادعا می کند و در قبال آن وجهی به کلاهبردار تسلیم می کند . مانند اینکه کلاهبردار وانمود کند می تواند سوالات کنکور را تهیه کند یا کارت پایان خدمت تهیه کند یا مرض صعب العلاج دیگری را درمان کند . بدین ترتیب قربانی جرم به واسطه امیدوار شدن به امور غیرواقعی و حصول آنها وجهی به کلاهبردار پرداخت می کند ، در حالی که همه خلاف واقع هستند .

3- ترساندن مردم از امور غیرواقعی :

در این قسمت نیز نظر به اقدامات متقلبانه کلاهبردار ، قربانی جرم اغفال شده و از ترس ایجاد امری که کلاهبردار ادعا می کند و جهت جلوگیری از آن وجهی پرداخت می کند . به عبارت دیگر پرداخت وجه به دلیل ترسیدن از یک امر غیرواقعی بوده که کلاهبردار آن را واقعی جلوه داده . مانند اینکه فردی با جعل نقشه شهرداری و مراجعه با مالک ملکی اینگونه وانمود کند که ملکش در طرح قرار گرفته و اگر آن را الان به کمتر از مزنه بازار (قیمت) به او بفروشد دیگر ملکش ارزشی ندارد و مالک ملک نیز به دلیل ترس از این موضوع (ترس از قرار گرفتن ملک در طرح) ملک خود را به کمتر از قیمت بازار بفروشد و از این طریق کلاهبردار منتفع گردد . یا در مثالی دیگر شخصی با مراجعه به تاجری و ارائه اسنادی غیرواقعی اینگونه وانمود کند که دولت در مقام وارد کردن مقداری برنج است و اگر الان موجودی خود را به کمتر از قیمت به او بفروشد دیگر پس از ورود آن کالا توسط دولت اجناسش ارزشی ندارد . در این قسمت نیز کلاهبردار با اقداماتی متقلبانه امری غیرواقعی را واقعی جلوه داده و از این طریق مال دیگری را تحصیل کرده .

4- مغرور کردن مردم به داشتن اموال و اختیارات واهی :

قانونگذار در این قسمت از 2 وسیله تقلبی :

الف (مغرور کردن مردم به داشتن اموال واهی ب) مغرور کردن مردم به داشتن اختیارات واهی استفاده کرده است .

منظور از مغرور کردن مردم به داشتن اموال واهی این است که کلاهبردار برخلاف واقع و حقیقت ، خود را دارای اموالی معرفی کند . به عبارت دیگر اینگونه وانمود می کند که یا مالک آن اموال است یا حداقل متصرف قانونی آن اموال است و می تواند هر دخل و تصرفی در آن اموال بنماید . در حالی که واقعاً آن اموال متعلق به او نیست و قربانی جرم از طریق این مانور متقلبانه کلاهبردار مالش را به کلاهبردار تسلیم می کند . مانند اینکه فردی با نشر اگهی ادعا کند که دارای آپارتمان های متعددی است که در مقام فروش تعدادی از آنها است . لکن در زمان مراجعه خریداران آنها را به آپارتمان های متعلق به دیگران می برد و اینگونه وانمود می کند که آن آپارتمان ها متعلق به او است . خریداران به واسطه این اقدامات متقلبانه و به تصور اینکه آن آپارتمان ها متعلق به او است از او خریداری نمایند . اما در خصوص قسمت دوم موضوع مغرور کردن مردم به داشتن اختیارات واهی به این معنا که کلاهبردار خلاف واقع خود را دارای اختیاراتی معرفی نماید که می تواند حسب آن اختیار کاری انجام دهد یا از انجام امری جلوگیری نماید . مانند اینکه اینگونه وانمود کند حسب اختیاری که در دستگاه قضایی دارد با گرفتن مبلغی از اعدام نمودن فردی که حکم اعدام او قطعی شده جلوگیری کند یا مشکل قضایی فردی را در پرونده ای حل نماید در حالی که فاقد چنین اختیاری است .

5- اتخاذ اسم یا عنوان مجعول :

در این قسمت نیز قانونگذار از 2 وسیله تقلبی استفاده کرده است :

الف (اتخاذ اسم مجعول ب) اتخاذ عنوان مجعول

منظور از اتخاذ اسم مجعول این است: اصولاً اسم کلمه ای است برای نامیدن انسان که موجب تشخیص فرد از فرد دیگری می شود که از 2 اسم کوچک (نام) و اسم بزرگ (نام خانوادگی) تشکیل شده است. اصولاً کلاهبرداری از طریق اتخاذ اسم مجعول به 2 نحو قابل تصور است. فردی با علم به اینکه فرد دیگری مشهور و معروف است با جعل اوراق سجلی خود اینگونه وانمود می کند که آن شخص معروف و مشهور است و از این طریق مال دیگری را تحصیل کند. در این قسمت کلاهبردار خود را به جای دیگری معرفی کرده است اما فرض دوم کلاهبرداری از طریق اتخاذ اسم مجعول، ناظر به موردی است که فردی با جعل مدارک هویت خویش سوء شهرت و بدنامی خود را کتمان می کند. در این قسمت ماهیت واقعی خویش را از طریق کتمان واقعیت خود می پوشاند. در مقابل اتخاذ عنوان مجعول به این معنا که عنوان، اصطلاح یا تیتیری است که نشان دهنده صلاحیت، رتبه و مرتبه علمی شخصی است مانند عنوان وکیل، پزشک، مهندس و غیره... لکن کلاهبردار برخلاف واقع و در حالی که فاقد آن عنوان است خود را دارای آن عنوان معرفی می کند مانند اینکه شخصی با چاپ کارت ویزیت وانمود کند که وکیل پایه دادگستری است و می تواند با دریافت حق الوکاله وکالت شخصی را در دادگاه بپذیرد، درحالی که واقعاً وکیل نیست.

6- یا هر وسیله تقلبی دیگر:

ملاک قانونگذار در کلاهبرداری تحصیل مال دیگری از طریق توسل به وسایل تقلبی است. صرف نظر از اینکه نوع آن وسیله تقلبی چه باشد. فقط کافی است وسیله تحصیل مال تقلبی باشد. با عنایت به صدر ماده 1 که مقرر کرده هرکس با توسل به وسایل تقلبی... مال دیگری را تحصیل کند. منظور قانونگذار این است برای کلاهبرداری لازم است کلاهبردار یک وسیله تقلبی بگار گیرد. به عبارت دیگر مانوری متقلبانه انجام دهد تا به آن توسل به وسایل متقلبانه گفته شود. لذا سکوت، ترک فعل هرچند با سوء نیت و دروغ، هیچکدام دلالتی بر توسل به وسایل تقلبی و در نتیجه کلاهبرداری ندارد.

2- اغفال و فریب قربانی جرم :

اصولاً در کلاهبرداری پس از ارائه وسایل تقلبی به قربانی جرم آن شخص مغرور شده ، فریب خورده و مالش را به کلاهبردار می دهد . به عبارت دیگر در کلاهبرداری پرداخت مال به کلاهبردار با رضایت و اختیار است اما در نتیجه اغفال و فریب ، اغفال و فریب قربانی جرم ملازمه دارد بی اطلاعی و عدم آگاهی قربانی جرم به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار . به عبارت دیگر قربانی جرم نمی داند ان وسایل که کلاهبردار استفاده کرده متقلبانه است ، چراکه اگر از تقلبی بودن وسایل آگاهی داشته باشد بدیهی است دیگر مالش را در اختیار کلاهبردار قرار نمی دهد . لذا در فرضی اگر قربانی جرم بداند آن وسایلی که کلاهبردار به او ارائه کرده است تقلبی است دیگر اغفال و فریب معنایی ندارد تا موضوع کلاهبرداری باشد . مانند اینکه شرکت بیمه می داند تصادف اعلام شده صوری و ساختگی و برای دریافت خسارت است لکن به دلیل دیگری همچون سِمَت بیمه گذار خسارت پرداخت کند . در اینجا موضوع از شمول کلاهبرداری خارج است چراکه قربانی جرم اغفال و فریب نشده است بلکه علیه خود اقدام کرده است .

3- تعلق مال تحصیل شده به دیگری :

در کلیه جرایم علیه اموال اصولاً موضوع جرم می بایست مال متعلق به دیگری باشد . مانند اینکه سرقت ، ربودن مال دیگری است لذا بدیهی است بردن مال خود سرقت نیست . همچنین است در کلاهبرداری . لازم است در کلاهبرداری به طریق متقلبانه مال دیگری تحصیل شود نه مال خود شخص ، لذا هرچند به طریق متقلبانه مال خود را تحصیل کند به دلیل عدم تعلق مال به دیگری موضوع از شمول کلاهبرداری خارج است . مانند زوجه ای که با همسر خود اختلاف دارد و زوج جهیزیه متعلق به زوجه را به وی مسترد نمی کند و زوجه مجبور می شود با جعل دستور مقام قضایی جهیزیه خود را تحصیل کند . در اینجا هرچند به وسیله متقلبانه مال تحصیل شده اما به دلیل تعلق مال به مرتکب موضوع از شمول کلاهبرداری خارج است .

3- حصول نتیجه:

جرائم از این حیث (نتیجه حاصله) به جرائم مطلق و مقید که قبلا توضیح داده شده تقسیم می شوند . کلاهبرداری از این حیث جزء جرائم مقید است و تا زمانی که آن نتیجه مورد نظر قانونگذار که همان تحصیل مال دیگری است محقق نشود کلاهبرداری نیز محقق نشده است یا مانند سلب حیات در قتل .

تحصیل مال دیگری به عنوان نتیجه لازم برای تحقق کلاهبرداری با 2 موضوع ملازمه دارد :
اول اینکه بر اثر این تحصیل مال ، قربانی جرم متضرر شود . دوم اینکه کلاهبردار یا حداقل شخص مورد نظر کلاهبردار منتفع و بهرمنند گردد . لذا در این مثالهای سابق ، آن شخصی که با جعل نقشه شهرداری به مالکی رجوع کرده و مالک نیز مغرور شده ، لکن ملک خویش را نه به کلاهبردار یا شخص مورد نظراو ، بلکه به دیگری بفروشد به دلیل عدم انتفاع کلاهبردار ، موضوع از شمول کلاهبرداری خارج است .

عنصر معنوی کلاهبرداری (عمدی)

سوء نیت / قصد مجرمانه

سوء نیت عام (قصد فعل) _____ علم و عمد مرتکب در فعل ارتكابی

+

سوء نیت خاص (قصد نتیجه) _____ خواستن نتیجه مجرمانه

(سوء نیت خاص / قصد نتیجه) تحصیل مال دیگری + توسل به وسایل متقلبانه (سوء نیت عام / قصد فعل)

کلاهبرداری

قبلاً گفته شد عنصر معنوی جرایم عمدی دشوار نیست چراکه عنصر معنوی همه جرایم عمدی سوء نیت یا قصد مجرمانه است . سوء نیت یا قصد مجرمانه خود از 2 قسمت : سوء نیت عام (قصد فعل) سوء نیت خاص (قصد نتیجه) تشکیل شده که برای تحقق عنصر معنوی و در نتیجه جرم عمدی وجود هر 2 قسمت مذکور لازم است و وجود یکی به تنهایی کافی برای تحقق عنصر معنوی در نتیجه جرم عمدی نیست .

در خصوص عنصر معنوی کلاهبرداری گفته شد ، کلاهبرداری جزء جرایم مرکب است که از 2 قسمت : الف) توسل به وسایل تقلبی ب) تحصیل مال دیگری تشکیل شده . لذا حسب آنچه گفته شد سوء نیت عام یا قصد فعل کلاهبردار همان علم و عمد وی در توسل به وسایل تقلبی است . یعنی اولاً مرتکب بداند وسایلی که استفاده می کند تقلبی هستند ثانیاً با علم به تقلبی بودن وسایل عامداً از آنها استفاده کند .

اما سوء نیت خاص یا قصد نتیجه کلاهبردار همان خواستن نتیجه که تحصیل مال دیگری می باشد . به عبارت دیگر بخواهد بر اثر توسل به وسایل تقلبی مال دیگری را تحصیل کند و مال دیگری نیز تحصیل شود .

بدیهی است برای تحقق بزه کلاهبرداری هر دو قسمت سوء نیت عام (توسل به وسایل تقلبی) و هم سوء نیت خاص (تحصیل مال دیگری) لازم است .

خیانت در امانت :

عنصر قانونی : حسب ماده 674 قانون مجازات اسلامی : هرگاه اموال منقول و غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته ، چک و نظایر آن بعنوان اجاره ، امانت ، رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی

برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بود آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال ، تصاحب ، تلف یا مفقود نماید به حبس از 6 ماه تا 3 سال محکوم خواهد شد .

قانونگذار در ماده 674 عنصر قانونی بزه خیانت در امانت را پیش بینی کرد . لکن تعریفی از بزه مذکور به دست نداده است .

و با عنایت به ماده مذکور خیانت در امانت ناظر به فرضی است مالک یا متصرف قانونی مالی اعم از منقول یا غیرمنقول به دیگری بسپارد و در زمان سپردن آن مال به آن شخص (امین) با او شرط و توافق کند که در سررسید مشخصی آن مال را مسترد کند یا مال سپرده شده را در راه مشخصی مصرف کند . لکن امین بر خلاف شرط و توافق مذکور و با سوء نیت مال امانی را تصاحب ، تلف ، استعمال یا مفقود نماید . بدین ترتیب خیانت در امانت ناظر به اقدام برخلاف توافق و شرط امین با صاحب مال و در زمان سپرده شدن مال است .

حسب قسمت اخیر ماده مذکور مجازات بزه خیانت در امانت فقط تا 3 سال حبس است . لذا دادگاه ،

تکلیفی در الزام محکوم علیه به استرداد مال امانی یا پرداخت مثل یا قیمت مال امانی تلف شده

ندارد و مالک تا متصرف مال می بایست با رعایت مقررات و تشریفات ایین دادرسی مدنی و با تقدیم

دادخواست به محاکم حقوقی استرداد مال امانی یا قیمت یا مثل آن را کند یا اینکه به استناد ماده 11

قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و تا قبل از اعلام ختم دادرسی توسط

دادگاه کیفری را رضایت خود را به همان دادگاهی که به اصل بزه خیانت در امانت رسیدگی می کند

تقدیم نماید تا دادگاه کیفری توأمان هم در خصوص جرم خیانت در امانت و هم در خصوص خسارات

شاکی یا مدعی خصوصی اظهار نظر نماید .

عنصر مادی : 3 اعتبار : رفتار فیزیکی ، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق آن جرم

نتیجه حاصله :

عنصر مادی خیانت در امانت : به 3 اعتبار رفتار فیزیکی ، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق آن جرم ، نتیجه حاصله بررسی می شود . همچنین است در بزه خیانت در امانت .

1- رفتار فیزیکی مرتکب خیانت در امانت :

منظور این است که بررسی شود ان شخصی که مال به وی سپرده شود چه رفتار یا اقدامی می بایست انجام دهد تا موضوع با حصول شرایط دیگر مشمول ماده 674 ق . م باشد . همچنین بررسی می شود آیا رفتار امین دلالت بر فعل دارد یا ترک فعل . به بیان دیگر آیا امین می بایست کاری انجام دهد تا بزه خیانت در امانت محقق شود . یا در فرض عدم انجام کاری (ترک فعل) نیز ممکن است موضوع مشمول ماده 674 ق . م . اسلامی باشد . با عنایت به ماده مذکور قانونگذار 4 فعل تصاحب ، تلف ، استعمال ، مفقودکردن با سوء نیت مال امانی را بعنوان عنصر مادی بزه مذکور پیش بینی کرده است . مصادیق بیان شده در ماده مذکور همگی تصریح (حصری) هستند نه تمثیلی و اقدام دیگری از سوی امین تشکیل دهند ، عنصر مادی خیانت در امانت نمی تواند باشد .

تصاحب : برخورد مالکانه نمودن با مال امانی است . همانطور که هر مالکی می تواند هر تصرفی اعم از فروش ، اجاره ، رهن در مال خویش بکند امین نیز انجام دهد . لذا تصاحب مال امانی توسط امین به این معنی است که امین در حالیکه مالکیتی نسبت به مال امانی ندارد انرا بفروشد ، اجاره دهد ، به رهن بگذارد یا از استرداد آن مال به مالک خودداری کند . گویی مالک است در حالیکه نیست .

تلف : ناظر به ازبین رفتن مال امانی است یا

تلف کل مال : از بین رفتن همگی مال امانی یا

تلف جزء مال : قسمتی از مال امانی از بین نرود نه همه ان

یا تلف ناظر به

تلف وصف مال : بر اثر اقدام امین دیگر مال امانی آن وصف و مطلوب سابق را نداشته باشد .
مانند اینکه خودرویی به امین سپرده شده لکن امین پس از تصادف رنگ نامرغوبی به خودرو بزند ،
بدیهی است دیگر این مال وصف سابق را ندارد .

استعمال : به مصرف رسانیدن مال امانی است .

گاهی ملازمه با از بین رفتن عین مال امانی دارد ، مانند اینکه مواد غذایی برای نگهداری به امین
سپرده شده لکن امین آنها را مصرف کند در مقابل استعمال در جایی ملازمه با از بین رفتن عین مال
ندارد مانند اینکه خودرویی برای نگهداری به امین سپرده شده لکن امین برخلاف شرط و توافق از
خودروی امانی استفاده کند در اینجا استعمال ملازمه ایی با از بین رفتن مال امانی ندارد .

مفقود کردن : در اینجا عین مال امانی باقی است لکن امکان دسترسی مالک یا متصرف قانونی آن
مال به مال امانی دیگر امکانپذیر نیست یا حداقل مُتَعَصِّر یا دشوار است . بر خلاف تلف که ملازمه با
از بین رفتن همه یا قسمتی از عین مال دارد . مفقود کردن مال امانی توسط امین مانند اینکه پرنده
امانی را برهاند یا انگشتر امانی را به دریا بیاندازد ، در هر دو ، عین مال باقی است .

پس از بیان مصادیق رفتار فیزیکی مرتکب خیانت در امانت واضح است عنصر مادی خیانت در امانت
همواره با فعل امین محقق می شود نه ترک فعل . یعنی حتماً می بایست مرتکب کاری کند تا موضوع
مشمول خیانت در امانت باشد و ترک فعل عنصر مادی خیانت در امانت را تشکیل نمی دهد .
هرچند عقیده مخالفی است که عدم استرداد مال امانی ناظر به ترک فعل امین است نه فعل او و با
این استدلال که عدم استرداد مال امانی در نتیجه تصاحب مال امانی است که خود فعل است مشخص
می شود همواره عنصر مادی خیانت در امانت با فعل محقق می شود .
زمان تحقق بزه خیانت در امانت همان زمان تحقق هر یک از 4 فعل تَصَاخُب ، تَلْف ، اِسْتِعْمَال ،
مفقود کردن مال امانی است .

جلسه هفتم سه شنبه 1391/02/19

شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق بزه خیانت در امانت :
در این قسمت در مقام بررسی آن دسته از شرایطی که قانونگذار برای تحقق خیانت در امانت لازم دانسته است می‌باشیم . به این معنی که در فرضی که شرایط مذکور موجود نباشد بزه خیانت در امانت نیز محقق نمی‌شود . شرایط لازم به شرح ذیل است :

ماده 674 قانون مجازات اسلامی ایران

الف (موضوع جرم باید مال باشد (منقول یا غیرمنقول) یا وسیله تحصیل مال (چک ، سفته و ...) باشد . حسب صراحت ماده 674 قانون مجازات اسلامی موضوع بزه خیانت در امانت یا به عبارتی آن چیزی که به امین سپرده می‌شود تا با حصول شرایط دیگر مشمول بزه خیانت در امانت باشد . منحصرأً می‌بایست مال یا وسیله تحصیل مال باشد . حسب صدر ماده مذکور مقرر شده ، هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته جاتی از قبیل سفته ، چک و نظایر آن به دیگری سپرده شده باشد ...

بدین ترتیب سپردن امور دیگری مانند : سپردن فرزند به دیگری یا گفتن اسرار به دیگری به دلیل عدم مالیت از شمول ماده 674 قانون مجازات اسلامی خارج است .

ب (سپرده شدن مال به دیگری به یکی از طرق قانونی به شرح استرداد یا مصرف معین رساندن آن : شرط مذکور خود از 3 قسمت :

1 (سپرده شدن مال به دیگری

2 (سپرده شدن مال به دیگری به طرق قانونی

3 (شرط استرداد یا مصرف معین رسانیدن مال امانی

1) سپرده شدن مال به دیگری :

هر جرمی دارای رکن و عنصری اساسی است. همانطور که گفته شد، رکن اصلی و مهم در بزه کلاهبرداری حیله و تقلب است. همچنین در بزه خیانت در امانت سپردن عنصر اصلی بزه مذکور است. به عبارت دیگر لازم است برای تحقق خیانت در امانت، مال از جانب مالک یا متصرف قانونی به دیگری سپرده شود تا بعداً حسب شرایط دیگر موضوع مشمول ماده 674 ق. م. اسلامی باشد. لذا معروف است که گفته می شود خیانت در امانت فرع بر سپردن است، یعنی ابتدا می بایست عنصر سپردن به دیگری احراز شود تا موضوع مشمول ماده 674 ق. م. ا باشد. همانطور که گفته می شود خَلْعِ يَدِ فَرَعٍ بر مالکیت است، یعنی برای خلع ید دیگری از ملکی، مالکیت او لازم است. لذا در هر فرضی که مال بدون سپردن به دیگری برسد مانند: تصرف در مال گمشده، موضوع از شمول ماده 674 ق. م. ا خارج است یا در فرضی که فردی به دیگری مالی سپرده، لکن بعداً امین فوت کند و مال به ورثه امین برسد. در این قسمت چون عنصر سپردن به امین (متوفی) محرز است نه ورثه او موضوع از شمول ماده 674 ق. م. ا خارج است.

در مقابل و در همین مثال اگر مالک فوت کند نظر به اینکه عنصر سپردن به امین محرز و مسلم است لذا امین می بایست مال امانی را به ورثه مالک مسترد کند. لذا منظور از احراز عنصر سپردن، سپردن مال به امین است.

2) سپرده شدن مال به دیگری به طرق قانونی :

هرچند گفته شد عنصر سپردن رکن اصلی و مهم بزه خیانت در امانت است اما نه هر سپردنی. قانونگذار در ماده 674 قانون مجازات اسلامی منحصرأً مقرر کرده که مالک مال یا حداقل متصرف قانونی آن مال، مال را به امین بسپارد. به عبارت دیگر منظور قانونگذار از بیان سپردن مال از سوی مالک یا متصرف قانونی منحصرأً کسانی هستند که تصرفاتشان در مال مورد حمایت قانونگذار است. لذا سپردن مال از سوی غیر مالک یا غیر متصرف قانونی آن مال، هرچند سپردن محرز است. لکن چون به طریق قانونی نیست موضوع را از شمول ماده 674 قانون مجازات اسلامی خارج می کند.

مانند تصرف سارق در مال مسروقه .

اگر سارقی پس از سرقت ، مال مسروقه را به دیگری بسپارد ، چون سارق در حکم غاصب است و تصرفش در مال مسروقه مورد حمایت قانونگذار نیست و صرف نظر از آگاهی شخص پذیرنده مال موضوع از شمول ماده 674 قانون مجازات اسلامی خارج است .

3) شرط استرداد یا مصرف معین رسانیدن مال بین مالک و امین :

قبلاً گفته شد خیانت در امانت موضوع ماده 674 قانون مجازات اسلامی ایران ناظر به اقدام امین است که بر خلاف شرط و توافقی که با مالک مال نموده است عمل کرده باشد . بدین ترتیب لازم است برای تحقق ماده 674 ق . م . ا . بین مالک و امین در خصوص زمان استرداد مال امانی یا نحوه مصرف مال امانی شرط و توافقی صورت گرفته باشد تا در صورتی که امین بر خلاف آن شرط عمل نماید موضوع مشمول ماده 674 ق . م . ا باشد . لذا سپردن مال به دیگری بدون شرط و توافق موضوع را از شمول ماده 674 ق . م . ا خارج می کند .

با این توضیح مشخص می شود خیانت در امانت ناظر بر امانات قراردادی است نه امانات قانونی و قهری . به عبارت دیگر مبنای سپرده شدن مال به امین می بایست بر اساس قرارداد ، توافق و شرط باشد .

بدین ترتیب موضوع ماده 674 ق . م . ا منصرف از امانات قانونی و قهری است مانند : تصرف قیم در اموال محجور و صغیر .

لطفاً نظرات و پیشنهادات خود را در مورد مسایل حقوقی از جمله جزوات درسی ، مقالات حقوقی ،

برنامه ریزی درسی جهت از مون وکالت و کارشناسی ارشد ، کار تحقیقی ، معرفی برترین و جامع ترین

کتاب حقوقی و ... با وبلاک تخصصی حقوق (من حقوق قانون) در میان بگذارید .

جلسه هشتم، سه شنبه 1391/02/26

اصولاً در همه جرایم علیه اموال موضوع جرم (مال) متعلق به دیگری است نه مرتکب جرم. همانطور که در سرقت ربودن مال دیگری است نه مال خود، یا کلاهبرداری تحصیل مال دیگری است نه مال خود، همچنین است در بزه خیانت در امانت. ملاک تحقق ماده 674 قانون مجازات اسلامی ایران موضوع بزه خیانت در امانت ناظر به آن اموالی است مالکیت آن متعلق به غیر شخص امین است. لذا ماده مذکور منصرف از اموال متعلق به امین است. لذا در هر فرضی که مالی به دیگری سپرده می شود به خود امین متعلق داشته باشد صرف نظر از شرایط دیگر موضوع از شمول ماده مذکور خارج است. مانند اینکه حسب عقد اجاره که باعث تملیک منافع به مستاجر می شود، مستاجر برای مدتی مال مورد اجاره را به موجر بدهد تا پس از مدتی مجدداً آن را مسترد کند، لکن مالک (موجر) از استرداد مجدد آن با وجود مطالبه مستاجر خودداری کند. نظر به تعلق مال سپرده شده به خود مالک موضوع از شمول ماده 674 ق. م. ا. خارج است.

نتیجه حاصله:

منظور از بررسی نتیجه حاصله قسمتی از عنصر مادی بزه خیانت در امانت این است که آیا بزه موضوع ماده 674 ق. م. ا. جزء جرایم مطلق است یا مقید؟ در فرضی که بپذیریم خیانت در امانت جزء جرایم مطلق است یعنی به صرف تصاحب، تلف، استعمال یا مفقود کردن مال امانی توسط امین و صرف نظر از اینکه چه نتیجه ای از اقدامات امین حاصل شود خیانت در امانت محقق می شود. لکن در مقابل خیانت در امانت در صورتی جزء جرایم مقید است که صرف تصاحب، تلف، استعمال و مفقود کردن مال امانی کافی برای تحقق خیانت در امانت نباشد.

لازم است نتیجه خاص از افعال امین ایجاد شود و تا آن نتیجه حاصل نشود خیانت در امانت نیز حاصل نمی شود. حسب قسمت اخیر ماده 674 ق. م. ا و ورود ضرر به مالک یا متصرف قانونی نتیجه مورد نظر قانونگذار برای تحقق خیانت در امانت است.

به عبارت دیگر لازم است بر اثر تصاحب، تلف استعمال یا مفقود کردن مال امانی توسط امین ضرری به مالک یا متصرف قانونی مال برسد و الا در فرض عدم ورود ضرر موضوع از شمول ماده 674 ق. م. اسلامی خارج است. لذا از این حیث خیانت در امانت جزء جرایم مقید است.

عنصر معنوی:

قبلاً گفته شد عنصر معنوی همه جرایم عمدی سوء نیت یا قصد مجرمانه است. همچنین است خیانت در امانت.

سوء نیت از 2 قسمت سوء نیت عام یا قصد فعل و سوء نیت خاص یا قصد نتیجه تشکیل شده است. برای آنکه جرمی عمدی باشد هر 2 قسمت سوء نیت لازم است.

سوء نیت عام یا قصد فعل امین همان علم و عمد او در تصاحب، تلف، استعمال یا مفقود کردن مال امانی است. لذا در فرضی که تصاحب، تلف، استعمال یا مفقود کردن بدون سوء نیت امین، بلکه بر اثر تقصیر او بواسطه بی احتیاطی، بی مبالاتی و... رخ دهد یا اینکه خارج از اراده امین مانند: سیل زلزله و سرقت مال امانی تلف شود، امین فاقد مسئولیت است.

اما سوء نیت خاص یا قصد نتیجه امین این است که بخواهد بر اثر استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود کردن مال امانی ضرری به مالک یا متصرف قانونی مال برسد و بر اثر فعل امین ضرر هم برسد. برای تحقق عنصر معنوی، همچنین تحقق خیانت در امانت لازم است امین هم دارای قصد فعل باشد هم دارای قصد نتیجه و وجود یکی به تنهایی کافی برای تحقق خیانت در امانت نیست.

سرقت:

هر سرقتی که در جامعه اتفاق می افتد از 2 حال خارج نیست .

یا سرقت مشمول حد است یا مشمول تعزیر است .

منظور از سرقت حدی آن دسته از سرقت هایی هستند که در شرع ، شرایط و ویژگی های آنها به دقت احصاء شده ، همچنین نوع مجازات و کیفیت اجرای مجازات ، به همین دلیل قانونگذار هیچ اختیاری در جرایم مشمول حد از جمله سرقت حدی ندارد . بلکه فقط آنها را از شرع به قانون منتقل کرده است . حسب شرع و به تبع آن قانون ، سرقت ، زمانی حدی است که دارای تمامی 16 شرط مندرج در ماده 198 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1370 باشد (حسب ماده 269 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1390 ، 16 شرط مذکور به 14 شرط تخفیف و تقلیل یافته است) . در هر حال اگر سرقتی دارای تمامی شرایط مذکور باشد ، سرقت مشمول حد است .

یعنی حسب مورد برای :

مرتبه اول : قطع 4 انگشت دست راست سارق

مرتبه دوم : قطع پای چپ سارق

مرتبه سوم : حبس ابد

مرتبه چهارم : اعدام سارق است .

در مقابل اگر سرقت حتی فاقد یکی از شرایط مقرر برای سرقت حدی باشد سرقت از شمول حد خارج و مشمول تعزیر است . قانونگذار تمامی سرقت های تعزیری را در مواد 651 تا 667 ق . م . ا . پیش بینی کرده است . مانند : کیف قاپی ، سرقت از منازل ، سرقت گروهی در شب ، سرقت مسلحانه سرقت مقرون به آزار و اذیت ...

لذا بطور کلی سرقت یا مشمول ماده 198 سابق (269 جدید) که همان سرقت حدی است یا

مشمول یکی از انواع سرقت های تعزیری موضوع مواد 651 تا 667 ق . م . ا . است .

جلسه نهم سه شنبه 1391/03/02

قبلاً گفته شد برای آنکه سرقت حدی باشد لازم است 14 شرط مندرج در ماده 269 (16 شرط موضوع ماده 198 ق. م. ا. فعلی لازم باشد) ان شرایط به شرح ذیل است :

- 1- مال مسروقه شرعاً مالیت داشته باشد .
- 2- مال مسروقه در حرز باشد . (حرز محل نگهداری مناسب مال است به منظور حفظ از دستبرد مانند : گاوصندوق برای پول ، پارکینگ برای خودرو)
- 3- سارق حتک حرز کرده باشد . (حتک حرز اعم از سوزاندن ، تخریب کردن ، پاره کردن یا بطور کلی دسترسی غیرمجاز به مال مسروقه)
- 4- سارق مال را از حرز خارج کرده باشد . (در این قسمت ملاک قانونگذار فقط وجود مال در حرز ، همچنین حتک حرز به وسیله سارق نبوده) بلکه لازم است علاوه بر حتک حرز همان شخصی که حتک حرز کرده نیز مال را خارج کند . لذا در فرضی که 2 نفر برای سرقت به منزلی وارد شده لکن یکی از سارقین درب گاوصندوق را باز کرده (حتک حرز شده) لکن دیگری مال را خارج کند . بر عمل هیچ کدام عنوان سرقت حدی مصداق ندارد .
- 5- سارق پدر صاحب مال نباشد . (حسب قاعده فقهی أنت و مالک له أبیک) در فرضی که پدری یا جدپدری فرزندی یا نوه خود را به قتل عمد بکشد ، پدر در قبال فرزند قصاص نمی شود . همچنین است در صورتی که پدری اموال فرزند خود را سرقت کند ، حد سرقت بر او جاری نمی شود .
- 6- ارزش مال مسروقه از 4/5 نخود طلا کمتر نباشد .

در پایان این قسمت و بطور کلی در فرض وقوع هر سرقتی ، اگر سرقت ارتكابی جامع تمامی شرایط ماده 269 قانون مجازات اسلامی ایران باشد سرقت مشمول حد است . در غیر اینصورت و در صورت فقدان هر یک از شرایط مذکور ، سرقت از شمول حد خارج و مشمول تعزیر سارق است . و برای تشخیص نوع سرقت تعزیری به مواد 651 تا 667 قانون مجازات اسلامی ایران که حسب مورد مجازات آن حبس ، شلاق و رد مال مسروقه است پیش بینی شده است .

در سرقت نیز (سرقت تعزیری) نیازی به تقدیم دادخواست برای مطالبه مال مسروقه (مثل یا قیمت یا عین مال مسروقه) همچون بزه کلاهبرداری نیست و دادگاه مکلف است در ضمن حکم ، نسبت به مال مسروقه نیز اظهار نظر نماید .

صدور چک پرداخت نشدنی :

دانشجویان عزیز این قسمت برای مطالعه می باشد . لذا از بیان آن پرهیز می کنیم .

موفق و شاد باشید در پناه پروردگار

پایان

لطفاً نظرات و پیشنهادات خود را در مورد مسایل حقوقی از جمله جزوات درسی ، مقالات حقوقی ،

برنامه ریزی درسی جهت از مومن و کالت و کارشناسی ارشد ، کار تحقیقی ، معرفی برترین و جامع ترین

کتاب حقوقی و... با وبلاگ تخصصی حقوق (من حقوق قانون) در میان بگذارید .